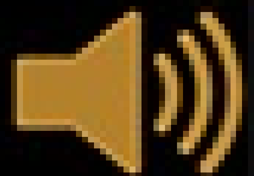
السلام علیک یا اباعبدالله الحسین

منبر صوتی نوشتاری

امام حسین علیه السلام در قرآن

جلسه چهارم





سخنران

حجت الاسلام سید مجید نبوی

بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه چهارم

نویسنده:

سید مجید نبوی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه چهارم

مشخصات کتاب

سخنران :

حجت الاسلام و المسلمین حاج سید مجید نبوی

محل سخنرانی :

استان فارس : شهرستان اشکنان حسینیه جماران

موضوع سخنرانی :

امام حسین علیه السلام در قرآن جلسه چهارم اطمینان نفس

تاریخ سخنرانی :

محرم ۱۴۳۶ سال ۱۳۹۴ شمسی

ایمیل سخنران : nabavi۱۳۵@gmail.com

ص: ۱

خطبه

.Your browser does not support the audio tag

اَعوذُ بِالله مِنَ الشیطان الرَّجیم

بسمِ الله الرَّحمنِ الرَّحیم

اَلحَمدُلله ربِّ العالمین بارِءِ الخَلائِق الاَجمَعین جامِعِ الناس لِیوم لارَیبَ فیه ، ثُمَ االصَلوهُ والسَلام عَلی البشیرِ النَّذیر والسِّراجِ المُنیر ، سَیِدَنا و مولانا احمد ، اَبی القاسِم مُحَمَّد ، صَلّیَ الله عَلَیه وَ آلِهِ و سَلّم و علی اَهلِ بَیتِه الاطیبینَ الهُداهِ المهدیین سیمّا بقیهَ الله فی الارضین الحجه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و لعنه الله علی اعدائهم و منکری فضائلهم و مناقبهم من الان الی قیام یوم الدین .

ص: ۲

شعر

.Your browser does not support the audio tag

چه خوش است گر بمیرم ، به ره ولای مهدی

سرو جان بها ندارد ، که کنم فدای مهدی

همه نقد هستیِ خود بدهم به صاحبِ جان

که یکی دقیقه بینم رخ دلگشای مهدی

یابن الحسن ، یابن الحسن ،

چه کنم ، چه چاره سازم که دلِ رمیده ی من

نکند هوای دیگر به جز از هوای مهدی

یابن الحسن ، یابن الحسن ، یابن الحسن ، ، آقا جان

نه طواف کعبه خواهم نه صفا و مروه خواهم

که ندارد این مکان ها به خدا صفای مهدی

یابن الحسن ، یابن الحسن ، یابن الحسن.

ص: ۳

آیه ی مورد بحث

.Your browser does not support the audio tag

و بعـدُ فقـد قـال الحکیم فی محکم کتـابِهِ الکریم و مُبرَمِ خِطابِهِ العَظیم ، یَآ أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ (۲۷) ارْجِعِی إِلَی رَبِّکَ رَاضِیَهً مَّرْضِیَّهً (۲۸) فَادْخُلِی فِی عِبَادِی (۲۹) وَادْخُلِی جَنَّتِی (۳۰)(۱)

ص: ۴

۱- آیه ۲۷ - ۳۰ سوره فجر هان ای روح آرام یافته و متین به سوی پروردگارت بازگرد که تو از او خشـنود و او از تو خرسـند است. پس در جرگه بندگان من درآی. و به بهشت من داخل شو!

اعلام صلوات

.Your browser does not support the audio tag

ایام عزای سالار شـهیدان ، حضـرت ابا عبدالله الحسین و سایر شهدای کربلاست . جهت عرض تسلیت به پیشگاه مقدس و منور فرزند بزرگوارشان ، قطب عالم وجود ، حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صلواتی ختم فرمایید .

ارواح طیبه شهدا ، صُلحاء ، مؤمنین ، مؤمنات ، حق داران ، کسانی که سال های قبل در این مجالس شرکت می کردند و سر به تیره تراب نهاده اند شاد کنید با صلوات برمحمد و آل محمد .

جهت شـفای همه مریض ها ، ادای قرض مقروضـین ، رفع گرفتاری از قاطبه ی شـیعه ، نزول باران های رحمت الهی ، صـلوات سوم را جلی تر ختم فرمایید .

ص: ۵

مقدمه

.Your browser does not support the audio tag

در ادامه آنچه که در شب های گذشـته در باب سـید الشهداء و ارتباط امام حسین علیه السلام با قرآن عرض می کردیم . یکی از سوره های قرآن کریم که مجموع آن در شأن سـید الشـهداء علیه السـلام نازل گردیـده است ، به گونه ای که ائمه هدی آن سوره را ، به نـام سورهُ الحسـین نامیـده انـد , سوره ی مبـارکه فجر است . وَالْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْـر این سوره مبـارکه در قرآن کریم دارای فرازهای بسـیار بلندی است که بعد ها جریان پیدا کرد تمام خصوصیاتش در رابطه با امام حسین علیه السلام . لذا امشب در ابتدای صـحبت مستقیم می رویم سـراغ روایاتی که در این زمینه است . که از جمله آن در تفسـیر البرهان جلد پنجم ، ذیل

سوره مبارکه والفجر روایاتی آمده است که هر کدام از آنها مطرح شود شاید ساعت ها وقت می خواهد که آن را توضیح بدهیم . منتهی به جهت رعایت ظرفیت جلسه به سراغ اصل روایت می رویم . ضمن این که روایتی را من چند سال گذشته دیدم که بر اساس آن اصلا شیوه ی منبر رفتن من عوض شد در کتاب میزان الحکمه . از امام صادق علیه السلام خطاب به منبری ها و سخنرانها و مبلغین فرمودند : عیب شما آن است که یک کلمه از ما اهل بیت می گویید و ده کلمه از خودتان می گویید . با این کار ، هم آبروی خودتان را می برید و هم چیزی گیر مردم نمی آید . لذا با روایات دیگر استفاده می شود . ما هر چه قدر حرف بزنیم به اندازه کلامِ خودِ اهل بیت علیه السلام شیوا و رسا نمی باشد . لذا هرچه روایت خوانده بشود به تعبیر ائمه ، زنگار دل ها برداشته می شود .

ص: ۶

فضیلت قرائت سوره فجر.

.Your browser does not support the audio tag

امام صادق علیه السلام می فرماید :

اقْرَءُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِی فَرَائِضِکُمْ وَ نَوَافِلِکُمْ

سوره مبارکه فجر را در نماز های واجب و نافله و نماز های مستحبی قرائت کنید .

اینجور نباشد که فقط سوره قل هوالله را بخوانید . خیلی خوب است . اما باز هم قران کریم سوره دارد و اینجا چه اندازه سفارش شده است از سوره فجرکه در نماز های واجب و مستحب استفاده کنید . یعنی این سوره را حفظ کنید و بخوانید .

فَإِنَّهَا سُورَةُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ چرا که این سوره ، سوره حسین بن علی علیه السلام هست .

وَ ارْغَبُوا فِیهَا رَحِمَکُمُ اللَّهُ از خودتان رغبت و نشاط نشان بدهید در خواندن این سوره که خداوند شما را رحمت کند .

فَقَالَ لَهُ أَبُو أُسَامَهَ : شخصی است به نام ابو اسامه . وَ کَانَ حَاضِرَ الْمَجْلِسِ . در همان مجلس امام صادق علیه السلام حضور داشت . گفت یابن رسول الله

کَیْفَ صَارَتْ هَذِهِ السُّورَهُ لِلْحُسَیْنِ (خَاصَّهً) چگونه این سوره مخصوص امام حسین علیه السلام گردید . فقال . امام صادق علیه السلام فرمود : فَقَالَ أَ لَا تَسْمَعُ إِلَی قَوْلِهِ تَعَالَی آیا نشنیده ای قول خداوند تبارک و تعالی در این سوره مبارکه را که اینچنین فرمود .

«یا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ارْجِعِی إِلی رَبِّکِ راضِیَهً مَرْضِیَّهً فَادْخُلِی فِی عِبادِی وَ ادْخُلِی جَنَّتِی»

ای کسی که به اطمینانِ نفس رسیدی ، در حالی که تو از خدا راضی و خدا از تو راضی باشد ، برگرد به سوی پروردگارت .

بیا در سِلکِ بندگانِ خوبِ منِ خدا .

ص: ۷

امـام صـادق علیه السـلام فرمود : إِنَّمَا یَعْنِی الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ ع. که این آیه می فرمایـد : ای نفس مطمئنی که راضـیه و مرضـیه هستی . یعنی ای حسـین ، اوست که دارای اطمینـان نفس و دارای صـفت راضـیه و مرضـیه است . بعـد بر می گردیم این سه تا کلمه را توضـیح می دهیم . اما ادامه روایت را گوش دهید . فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّهِ الرَّاضِیَهِ الْمَرْضِیَّهِ وَ أَصْحَابُهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله

این امام حسـین هست و اصـحابش از آلِ پیغمبر (ص) که: الرَّاضُونَ عَنِ اللَّهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ هُوَ رَاضٍ عَنْهُمْ اینها کسانی هستند که هم خدا از آنها راضی هست و هم اینها از خدا راضی هستند . (وَ هذِهِ السورَه نَزَلَت) این سوره مبارکه نازل شد وَ هَذِهِ السُّورَهُ فِی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ (علیهما السـلام) وَ شِیعَتِهِ در شأن امام حسـین علیه السـلام و شـیعیان امام حسـین علیه السلام که اگر واقعا خواستی ببینی شـیعه امام حسین علیه السلام هستی یا نه ، باید تفسیر این سه کلمه را بدانی ، که من عرض می کنم . وَ شِیعَهِ آلِ مُحَمَّدٍ خَاصَّهً هم شیعه ی حسین و هم شیعه اهل بیت علیهم السلام ، یعنی شیعه امام صادق ، شیعه ی امام زمان ، مَنْ أَدْمَنَ قِرَاءَهَ الْفَجْرَ اینجـا دیگر غوغـا کرده است . امـام صـادق علیه السـلام فرمـود : هرکس به خوانـدن سوره فجرمـداومت کنـد . کَانَ مَعَ الْحُسَیْنِ فِی دَرَجَتِهِ فِی الْجَنَّهِ با امام حسـین علیه السـلام در بهشت همنشـین خواهـد شـد . یعنی درجه اش به کجا می رسد ؟ به همسایگی امام حسین علیه السلام . إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ (۱)بدانید خداوند عزیز هست و حکیم ، که هر کاری خدا بخواهد ، می توانـد کسـی مثل من را توفیق بدهـد که سوره مبارکه فجر را لااقل روزی یک مرتبه بخوانم تا فردای قیامت خداونـد تبارک و تعالی مرا در بهشت همنشین امام حسین علیه السلام کند .

ص: ۸

۱- تأویل الآیات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره، ص۷۶۹

ارتباط سوره ی فجر با امام حسین علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

حالا بایـد ببینیم امام حسـین علیه السـلام این خصوصـیت را که خیلی از مردان خـدا داشـتندماننـد این که اطمینان نفس داشـته باشند ، این که راضیه باشند این که مرضیه باشند . این چیزی هست که مردان الهی و در طول تاریخ پیغمبران الهی و سایر ائمه داشتند . و این که چه خصوصیتی برای امام حسین علیه السلام دارد مطلب امشب ما است .

روایت را خوانـدیم . این اطمینـان نفس چیست ؟ یک نفس داریم . خـدا ما را در عالم زر ، در عالم ارواح ، خلق کرده است . روح مـا را در رحم مـادر آورد . از عـالم رحم مـادر به عـالم دنیا آمـدیم . بعـد هم به عالم برزخ می رویم که جایی بین دنیا و آخرت است . بعد از عالم برزخ به صحرای قیامت و عالم قیامت می رویم که نتیجه اعمال ماست که انشاء الله من و شما نتیجه عزاداری هـا و محبتمان به آسـتان مقـدس ابی عبـدالله الحسـین علیه السـلام ، بهشت و دشـمنان اهل بیت هم جایگاهشان جهنم است .

این عالم پنج گانه ای که ما پشت سر می گذاریم ، روح ما عوض شدنی نیست . اما صفات روحِ ما عوض می شود . که قرآن کریم عوض شدن صفات روح انسان را ، اسمهایی برای آن انتخاب کرده است . یک جا می فرماید : (إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَهُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّیَ)(۱) نفس آدمی ، انسان را به بـدی ها می کشانـد . مگر این که خـدا رحم کند یعنی طبیعتا انسان را رها کنند عوض این که به سـمت خوبی ها برود به سمت بدی ها و پرتگاها وسقوط ها برود ، الا این که خدا مددی کند دست این بنده را بگیرد و تربیت کند که خلافی مرتکب نشود . این یک حالت روح انسان هست ، در حالتی که هنوز روح تربیت نیافته است . یـواش یواش که آمـد جلو ، متوجه می شود که حـالتی دیگر هم ، خداونـد به این روح عطـا کرده است . که این را در سوره مبارکه شـمس ، بعد از بیان هفت قسم ، خداوند تبارک و تعالی بیان می کند . (وَ الشَّمْسِ وَضُحَاهَا (۱) وَ الْقَمَرِ إِذَا تَلاهَا (۲) وَ النَّهَارِ إِذَا جَلاهَا (۳) وَ اللَّیْلِ إِذَا یَغْشَاهَا (۴) وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا (۵) وَالأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا (۶) وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا)

ص: ۹

۱- آیه ۵۳ سوره یوسف

قسم به خورشـید ، قسم به ماه ، قسم به آسـمان ، قسم به زمین ، قسم به شب ، قسم به روز ، شـش قسم می خورد ، قسم هفتم ، قسـم بـه نفس آدمی کـه مـا آن را مُلهمه قرار دادیم . ملهمه یعنی چه ؟ یعنی به او الهـام می شـود . یعنی می دانـد عـدالت چیز خوبی است . بـدون این که کسـی به او تعلیم بدهد . خدا به او الهام کرده است . می داند که ظلم بد است . کسـی به او نگفته است ولی خـدا آن را در وجود انسـان قرار داده است . می دانـد که غیبت و دروغ بـد است . همه اینهـا را خداونـد به او الهـام کرده است . لازم نیست که اسـتادی بیایـد و به او بگویـد چه چیزهـایی خوب و چه چیزهـایی بـد است . الهامات الهی به روح انسان و این سرمایه بزرگی است که خداوند به بشر داده است . یک نفسی در انسان وجود دارد به نام نفس لوّامه که در سوره

مبارکه قیامت ، خداوند به آن اشاره می کند . بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ لَا أُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَهِ (۱) وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَهِ (۲) به نـام خداونـد بخشـنده مهربان ، قسم به روز قیامت و قسم به نفس آدمی که لوّامه است . لوّامه یعنی چه ؟ یعنی وقتی کار زشتی از من سـر می زنـد بعـد پشـیمان می شوم که چرا این کار را کردم . حرف لَغوی از دهانم بیرون آمد وکسـی را آزرده ام . بعد پشیمان می شوم که این چه حرفی بود من زدم و بعد پشیمان می شوم . کار بدی انجام دادیم ، بعد پشیمان می شویم . عصبانی شـدیم ، کـاری کردیم و یا حرفی زدیم ، عصـبانیت که فرو کش کرد ناراحت می شویم . این سـرمایه ای است که خداونـد به انسـان داده است و قسم یاد می کنـد به این نفس آدمی که ما ، شـما را اینطور قرار داده ایم . از این سـرمایه ها اسـتفاده کنیم . پشـیمان شدی دنبال پشـیمانی خودت برو . سـعی کن آن خلاف را مرتکب نشوی . اگر انسان از این سـرمایه ها اسـتفاده کند . می تواند آنچنان خودش را تربیت کند که به اطمینان نفس برسد .

معرفی امام حسین علیه السلام با سوره ی فجر

.Your browser does not support the audio tag

همین که در سوره مبارکه فجر ، خداوند متعال می فرماید : (یَا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ ، ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَهً مَّرْضِیَّهً) ای کسی که به اطمینان نفس رسیدی . اطمینان نفس یعنی چه ؟ اینجاست که امام حسین علیه السلام به میدان می آید ، من و امثالِ من وظیفه داریم که اربابمان حسین علیه السلام را معرفی کنیم . چه کسی اطمینان نفس دارد ؟ آن کسی که بتواند به تعبیری ، دنیا را آب ببرد ، فلانی را خواب می برد . عین خیالش نیست ، سنگ از آسمان ببارد ، هیچ اثری در او نمی گذارد خیالش راحت است . می داند این عالم ، خدایی دارد . می داند: تا نباشد امرِ حق ، برگی نیفتد از درخت . یک برگ بخواهد از درخت بیفتد خداوند اطلاع دارد ، نظام عالم ، همین جوری نیست که بگوید من چقدر بدبخت هستم نعوذِ بالله بگوید خدا تو سرمن زده است و من را فراموش کرده است . أستغفرُالله ، اینها کفر است . آن که به اطمینان نفس و به اینجا رسیده است همه را به خدا سپرده است . و اگر کسی گفت : یکی درد و یکی درمان پسندد ، یکی وصل و یکی هجران پسندد . این شخص گوید : من از درمان و درد و وصل و هجران ، پسندم آنچه را جانان پسندد .

ص: ۱۱

ملاقات جابر با امام باقر علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

اسم جابر بن عبدالله انصاری را شنیده اید . اولین زائر امام حسین علیه السلام بوده است . از صحابه رسول خدا بود . خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله ، امیر المؤمنین علیه السلام فاطمه زهرا علیها السلام ، امام حسن علیه السلام ، امام حسین علیه السلام ، زین العابدین علیه السلام و هفتمین معصوم امام باقر علیه السلام رسیده بود . عمر با برکتی خدا به او داده بود . پیر شده بود پیش امام باقر علیه السلام آمده بود . حضرت به او فرمودند : جابر حالت چطور است ؟ یک حال و احوالی من و شما از هم می پرسیم و یک حال و احوالی هم ائمه ، حال و احوالی که من و شما می پرسیم مربوط به مزاج و سر و گردن و پا و دست و این حال و احوالِ شرایط مادی هست . اما امام باقر علیه السلام سؤال می کند . جابر ، تو محضر هفت معصوم را درک کردی ، از مقامات روحانی ، عرفانی به کجا رسیدی ؟ چه قدر خودت را تربیت کردی ؟ گفت آقا ، من به جایی رسیده ام که اگر از من بپرسند مریضی در نظر تو بهتر است یا سلامت ، ممکن اسست همه بگویند خدا سلامتی بدهد ، اما منِ جابر می گویم مریض باشم بهتر است . چون می دانم چه ثوابی در مریضی و درد کشیدن نهفته است . لذا می خواهم هر چه بلاست به بدنم وارد شود . عجیب است . اگر از من بپرسند به نظر تو فقر بهتر است یا ثروت ؟ همه می گویند ثروت . اما من می دانم اگر فقیر باشم خدا چه قدر امتیاز می دهد . وقتی به ثوابش نگاه می کنم دلم می خواهد فقیر باشم . عجیب است . مرگ در نظر تو بهتر است یا زندگی ؟ مرگ . همه به دنبال زندگی می گردند ولی من مرگ . نمی ترسم . ضرر برای تو بهتر است یا سود ؟ همه می گویند سود ببرید اما من می گویم ضرر بهتر است ، ورشکستگی بهتر است . شاید انتظار داشت امام باقر علیه السلام بگوید : به به . جابر به کجا رسیده ای . آفرین بر تو . کاش شیعیان ما هم مانند تو بودند . این قدر ناشکری نمی کردند ، غر نمی زدند . این قدر از گرانی و وضع بد اقتصادی و مریضی و ... پیش ما اهل بیت شکایت نمی کردند و به جان ما غر

نمی زدند . امام باقر علیه السلام فرمودند : جابر ، شما اینجور هستی ولی ما اهل بیت اینجور نیستیم . جابر تعجب کرد و گفت یعنی من راه را اشتباه رفته ام . منِ جابر ، منِ مفسر قرآن که این همه شاگرد در طول عمرم تربیت کرده ام . خیلی عجیب هست . غیر از چهار ده معصوم به کسی نمی شود اعتماد کرد . همه ما از بزرگ و کوچکمان ، اشتباه در کارمان هست . فقط چهارده معصوم . جابر اگر امروز زندگی می کرد بعد از مقام آیت الله العظمی ، من نمی دانم دیگر چه مقامی بالاتر است ، به او اختصاص می دادند . علامه می گفتند ، پروفسور ، فیلسوف ، هرچه می خواهی ردیف کن ولی باز هم برای او کم است . جابر ، هفت معصوم را درک کرده است . اما ببین راه را چه جور رفته است . که امام باقر علیه السلام به او می گوید ما مثل تو نیستیم . یابن رسول الله شما که سرآمد کل مردم عالم هستید ، شما چه طور هستید ؟ حضرت فرمودند : ما راضی هستیم به رضای خدا . خدا می خواهد مریض باشیم . چشم . خدا می خواهد سالم باشیم . چشم . خدا می خواهد ضرر کنیم . چشم . خدا می خواهد سود ببریم . چشم . خداوند می خواهد فقیر یا ثروتمند باشیم ما حرفی نداریم .

من از درمان و درد و وصل و هجران ، پسندم آنچه را جانان پسندد .

ما اهل بیت این جور هستیم . ما چه کسی هستیم که بگویم این بهتر هست یا آن بهتر هست . خدا اینجور بکن یا اونجور بکن . خیر . ما در مقابل خواستِ خدا

ص: ۱۲

مومن در پیشگاه خدا

.Your browser does not support the audio tag

المؤمن بَینَ یَدَیِ الله عزَّوَ جَل کالمَیِّتِ بینَ یَدَیِ الغَسّال (۱)مؤمن در پیشگاه خدا مانند مرده است در میان دست های غسال . چه طور آن مرده شور ، مرده را از این طرف به آن طرف می اندازد دست و پای او را بالا می برد و مرده چیزی به او نمی گوید . تسلیم در برابر غسال هست . مؤمن در پیشگاه خدا اینچنین است . هر کس از من و شما به این مقام رسید . ببیند که مقامش بالاست . همین طوری که کسی را نمی آورند کنار امام حسین علیه السلام در بهشت . باید به این مقام برسی . هر وقت به خدا غر نزدی ، هر وقت به زمین و آسمان ناسزا نگفتی . هر وقت صاحبِ مالی را دیدی و آه نکشیدی . یک آدم زیبایی را دیدی و حسرت نخوردی . یک آدم خوش صدا و بهتر از خودت را دیدی و حسادت نکردی و غبطه نخوردی . هر وقت به این مرحله رسیدی ، به اطمینان نفس رسیدی .

ص: ۱۳

۱- (ابی محمد حسن الدیلمی، ارشاد القلوب الی الصواب، ج۱، ص ۱۲۱).

صفات اطمینان نفس

.Your browser does not support the audio tag

و این نفس مطمئنه دو صفت دارد . قرآن کریم بلافاصله دوصفت آن را می گوید : (راضِیَّةً مَرضِیَّه) بعضی اسم دخترشان را ، راضیه و مرضیه می گذارند اما معنی آن را نمی دانند . راضیه آن کسی است که از خدا راضی باشد . هر چه خدا برایش نازل کرد از خیر و شر بگوید راضی ام به رضای تو .

مرضیه کیست ؟ آن کسی است که این مراحل را طی کرده است و این قدر راضی به رضای خدا شده است که خدا هم از دست او راضی است . این صفت نفس مطمئنه است .

بین اولیای الهی و امام حسین علیه السلام فرق است . چرا امام صادق علیه السلام این سوره را مخصوص امام حسین علیه السلام گفته است مگر چه خصوصیتی دارد ؟ علت آن این است که مثلاـ می گویند مقایسه کن . یکی از اولیای الهی که به آن خیلی افتخار دارد .

ص: ۱۴

امتحانات حضرت ابراهیم علیه السلام

.Your browser does not support the audio tag

حضرت ابراهیم خلیل ، که خداوند حضرت ابراهیم را به جان و مال و اولاد امتحان کرد . همه شما می دانید با جان امتحانش کرد او را با مَنجنیق داخل آتش انداختند . آنقدر حرارت آتش زیاد بود که نمی توانستند حضرت ابراهیم را وارد آتش کنند . شیطان نقشه ی مَنجنیق را داد و گفت اینطور او را پرتاب کنید . همین کار را کردند . حضرت ابراهیم که در آسمان می خواست داخل آتش بیفتد ، جبرئیل به او گفت بیا دستت را بگیرم . گفت نه . الغریق یتشبث بکل حشیش هر آدمی که در گرفتاری می افتد می خواهد غرق بشود یک علف هرزه ای را هم ببیند دستش را به آن می رساند بلکه نجات پیدا کند . چطور حضرت ابراهیم دارد به طرف آتش می رود و جبرئیل هم برای کمک به او آمده است . می گوید جبرئیل ، بگذار اگر خدا می خواهد من بسوزم ، منِ ابراهیم مانع خواستِ خدا نمی شوم . به به . چه کسی زیر این آسمان همچون ایمانی دارد . گوش فلک را کر کرده است . امتحان به مال هم شد . شیطان گفت : خدایا این ابراهیم خلیل که اینقدر خدا خدا می کند به خاطر این چهار تا گوسفندی است که به او دادی و دارد زندگی می کند و امورات خود را می گذراند . خدا فرمود : این طور نیست . به جبرئیل فرمود برو ابراهیم را به مالش امتحان کن تا شیطان ببیند . جبرئیل آمد بدون این که خودش را نشان بدهد بین آسمان و زمین صدا زد : (سُبّوحٌ قُدّوس رَبُّ الملائِکَهُ وَالرّوح) حضرت ابراهیم اطراف خود را نگاه کرد و گفت چه کسی است که اسم محبوب من را صدا زد . هرچه گشت کسی را ندید . گفت ای صاحب صدا من تو را نمی بینم و گفت بیا و یک بار دیگر اسم خدای من را ببر . گفت ابراهیم چه چیزی داری به ما بدهی تا بار دیگر اسم خدا را برایت بگویم . گفت : تمام این گوسفندان ، تمام دارائی ام مال تو . فقط یکبار دیگر اسم خدا را ببر. جبرئیل قبول کرد و یکبار دیگر اسم خدا را گفت . ابراهیم خلیل شروع به گریه کرد و در فضای معنوی گفت ای صاحب صدا می شود بار دیگر اسم خدارا ببری ؟ فرمود : ای ابراهیم ، چه چیزی داری بدهی ؟ گفت : دیدی که هر چه داشتم به تو دادم اما اگر یک بار دیگر اسم خدای مرا صدا بزنی من قول می دهم تا آخر عمر نوکری تو را بکنم . غلامت شوم و هردستوری بدهی اطاعت کنم . باز هم گفت و بعد

مجسم شد و گفت ای ابراهیم ، این امتحان الهی بود و تو قبول شدی . شیطان مأیوس شد . این هم امتحان به مال . امتحان اولاد را هم که می دانید . چاقو را به گلوی اسماعیل گرفت و امتحان خود را پس داد و بعد آن ماجرای کار اسماعیل . جان و مال و اولاد ، این سه امتحان بود .

ص: ۱۵

حالا این موحد و خداپرست که قرآن کریم اسم او را زنده کرده است و چندین بار به عظمت از ابراهیم خلیل نام برده است بیاید پیش امام حسین علیه السلام . اگرمی خواهی بدانی چرا این سوره مخصوص امام حسین علیه السلام است . فرق او با ابراهیم علیه السلام چیست ؟ در یک کلمه می گویم حضرت ابراهیم علیه السلام به جان و مال و اولاد امتحان شد اما می دانید هم جانش را به او بر گرداند . یعنی او را داخل آتش انداخت ولی نسوخت و هم مال او را به جبرئیل گفت : به او پس بده و نمی خواهد غلامت شود و هم این که اسماعیل را به او برگرداند .

اما امام حسین علیه السلام در زمین کربلا ، به جان و مال و اولاد امتحان شد و لیکن هیچ کدام آنها را پس نگرفت . گفت : ما چیزی که در راه خدا دادیم پس نمی گیریم . این است توحید سید الشهداء ، این است که این سوره را مخصوص خودش کرده است . کیست که به مقام اطمینان نفس برسد . راوی می گوید در صحرای کربلا ، هرچه امام حسین علیه السلام داغ و مصیبت بیشتر می دید ، این چهره بشاش تر ، بر افروخته تر ، خوشحال تر بود . خدایا چه فکری می کند . چه تصوری دارد . اما نمی دانستند که او راضی به رضای خدا شده است . لذا وقتی می بیند تمام این اتفاقات ، طبق خواست و مشیت الهی پیش می رود خودش را خوشحال و خندان می بیند . هرچه پیش آید خوش آید ما که خندان می رویم .

خدایا ما را از کسانی قرار بده که مشمول این آیه شریفه قرار بگیریم . (الهی آمین)

خدایا ما را از شیعیان امام حسین علیه السلام قرار بده . (الهی آمین)

خدایا این صفت روحانی را در وجود همه ما پیاده بفرما . (الهی آمین)

ص: ۱۶

روضه

.Your browser does not support the audio tag

اما امشب که شب چهارم هست . محرم هست و بنا بر بعضی از رسوماتی که بوده و هست و خواهد بود معمولا همچون شبی را دلها می برند در خانه زینب کبری علیها السلام ، و دو طفل شهید این با نوی بزرگوار که در زمین کربلا تقدیم به امام حسین علیه السلام کرد . دلها را ببریم به کربلا ، آن وقتی که آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام سربه نیزه غریبی زدند :

صدا زدند هَل مِن ناصرٍیَنصُرنی(۱) آیا کسی هست من غریب و تنها را یاری کند . می گویند آنچنان این ناله غربت سید الشهداء روی قلب زینب کبری اثر گذاشت خدمت برادر آمد .

این قدر نگو یار نمانده است و غریبم

تا دختر زهرا و ابر مرد خدا هست

برادرم ، هنوز غریب و تنها نشدی , هنوز آقا ابالفضل حضور دارد , هنوز منِ زینب نمرده ام که صدا می زنی هَل مِن ناصرٍ یَنصُرنی .

ص: ۱۷

۱- این جمله که بصورت «هل من ناصر ینصرنی» شهرت یافته است، در منابع تاریخی دقیقا به همین صورت نیست و با اندک تفاوتی یا با عبارتهای دیگری نقل شده است، از قبیل: «هل من ذاب عن حرم رسول الله؟ هل من موحد یخاف الله فینا؟ هل من مغیث یرجو الله فی اغاثتنا، اما من طالب حق ینصرنا...»،[۱] «هل من ذاب یذب عن حرم رسول الله؟»،[۲] «اما من مغیث یغیثنا لوجه الله؟»،[۳] «هل من ناصر ینصر ذریته الاطهار؟»[۴] و عبارتهای دیگر ولی مفهوم همه این عبارات، نصرت خواهی برای یاری و دفاع است. [۱] حیاه الامام الحسین، ج ۳، ص ۲۷۴. [۲] بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۶، مقتل خوارزمی، ج ۲، ص ۳۲. [۳] قمقام زخار، ص ۴۰۴. [۴] ذریعه النجاه، ص ۱۲۹.

آمد در خیمه و دو تا از پسرانش را کفن بر تن کرد شروع کرد موهایشان را شانه بزند . گفت : عزیزانم من و خجالت زده پیش حسین علیه السلام نکنید . این دو آقازاده گریه کردند و گفتند : مادر خدا ما را برای همچون روزی به دنیا آورده است . ما به دست عمو آقا ابالفضل تربیت شده ایم برای چنین ساعتی که وقتی ندای غربت دایی خود را بشنویم جان خود را فدایش کنیم اما مادر ما رفتیم به دایی خودمان سید الشهداء گفتیم ولی اجازه نداد, شما برو بگو بلکه شما پیش حسین آبرو دارید شفاعت شما را در حق ما قبول کند . ای وای همین جا ، جا دارد که من و شما هم بگوییم : حسین ، شفاعت شما را قبول می کند شما از پیش ما شفیع بشوید انشا الله خداوند ما را از اصحاب و یاران ابی عبدالله در این زمان قرار بدهد . از انصار و اعوان پسرش امام زمان قرار دهد اینجا بود که حضرت زینب علیها السلام دو تا آقازاده اش را به محضر ابی عبدالله آورد . حسینم ،

هر هاجر خونین جگری هدیه ای آورد

ای کعبه من ، بگو نوبت ما هست ؟

تو ناز نفرما ، که بمیرم به پایت

یک گوشه چشمی که کفن پوش دو تا هست

این دو تا بچه ی من فدای شما باد دیگر نشنوم بگویی هل من ناصرٍ ینصرنی .

من کار به برگشت پسرهام ندارم . به به . به این می گویند نفس مطمئنه . پسرانش را می دهد و نگران نیست که آیا بر می گردند یا نه .

خوش هستم از این که دو نفس با تو مرا هست

این دو آقا زاده به میدان رفتند . ارباب مقاتل نوشته است هرچه جوان بنی هاشمی به روی زمین قرار می گرفت حسین و صدا می زد امام حسین علیه السلام به بالینش می آمد اما بلافاصله حضرت زینب علیها السلام از خیمه بیرون می دوید برای سر سلامتی دادن برای قوت قلب برادر ، کنار نعش آن جوان بنی هاشمی می آمد .

ص: ۱۸

اما نوشته اند وقتی خبر شهادت پسرهایش را دادند حضرت زینب از خیمه ها بیرون نیامد . چرا ؟ این عقده شده بود در گلوی عبدالله جعفر، شوهر حضرت زینب علیها السلام ، آن روز که اسرا به شهر مدینه برگشتند عبدالله جعفر خیمه به خیمه جلو آمد . در خیمه زینب را دید اما زینبش را نشناخت . خواست برود که حضرت زینب کبری علیها السلام به او فرمود : عبدالله کجا می روی ؟ گفت دارم دنبال خانمم زینب می گردم . صدا زد عبدالله ، منم زینبِ تو ، عبدالله حق داری همسرت را نشناسی . آن روز که زینب را دیده بودی حسین داشت ، عبدالله می گوید :

اگر تو زینبی پس کو حسینت

اگر تو زینبی کو نورِ عینت

زینبم ، شنیده ام هر شهید بنی هاشمی را به استقبالش می رفتی ولی خبر آوردند برای پسرهایمان از خیمه بیرون نرفتی . چرا ؟

فرمود : عبدالله می خواستم از خیمه بیرون بروم ولی فکرش را کردم اگر بروم چشمم به عزیزان کشته بیفتد بی طاقت بشوم و ناله کنم از این حالتِ من حسینم خجالت بکشد .

همه بگیم حسین ، حسین یا حسین .

ص: ۱۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹